

بررسی حصر و اطلاق موارد متعلق زکات

رحمت شایسته فرد^۱

چکیده

زکات واجب که در آیات قرآن پافشاری خاصی بر آن شده است، طبق دسته‌بندی از روایات و نظر غالب فقهای امامیه منحصر در موارد نه‌گانه شامل غلات اربعه (گندم، جو، کشمش و خرما)، انعام ثلاثه (گوسفند، شتر و گاو) و نقدین (طلا و نقره) است. در دسته‌ای دیگر از روایات، تمام اموال مشمول زکات دانسته شده‌اند و در برخی روایات، موارد دیگری همچون برنج، عدس و ... مشمول زکات شده‌اند. در مقاله حاضر که به روش کتابخانه‌ای تهیه شده است، با توجه به تغییر در وضع اقتصادی زندگی‌های امروزی، پس از بررسی آیات و روایات در این زمینه، نتیجه‌گیری شده که انحصار زکات در موارد نه‌گانه وجهی ندارد، بلکه از باب تنقیح مناط، تمام اموال مشمول حکم زکات است. لیکن براساس روایات، برای تعلق زکات شروطی لحاظ شده که در متن مقاله ذکر شده است. همچنین به نظر می‌رسد زکات به عنوان یک فریضه واجب، وسیله متغییری در دست حاکم و رهبر جامعه اسلامی باشد که متناسب با سطح رفاه و معیشت مردم، حق دارد جهت اصلاح امور مسلمانان بر موارد متعلق زکات بیفزاید و یا از مواردی درگذرد.

واژگان کلیدی: زکات، انحصار زکات، اموال مشمول زکات.



زکات در حقیقت یکی از راهکارهای اقتصادی مکتب حقوق سلام برای تأمین مخارج دولت اسلامی به منظور صرف آن در مواردی است که در آیات و روایات به آنها اشاره شده است. لذا نظر به اهمیت جایگاه زکات در تأمین درآمدهای دولت اسلامی بررسی حصر و اطلاق موارد متعلق زکات ضروری است.

از گذشته بین فقهای امامیه درباره اموال مشمول زکات، اختلاف نظر بوده است. اغلب فقهای شیعه وجوب زکات را تنها به موارد نه‌گانه، منحصر دانسته‌اند و برخی دیگر، وجوب زکات را به سایر اموال نیز تسری داده‌اند.

در مقاله حاضر، این موضوع مورد بررسی قرار گرفته که براساس آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) آیا زکات واجب منحصر به موارد نه‌گانه است یا سایر اموال نیز مشمول زکات خواهند بود.

در مقاله حاضر که به روش کتابخانه‌ای تهیه گردیده است، ابتدا آیات قرآن مورد بررسی قرار گرفته، سپس روایات ذکر شده درباره موارد مشمول زکات، از کتب روایی امامیه جمع‌آوری و دسته‌بندی شده و بدون توجه به سند روایات، متن روایات مورد بررسی قرار گرفته است. اما از آنجا که نظرات فقهای بزرگوار از گذشته تاکنون بسیار ارزشمند است، در انتهای مقاله - در حد امکان - نظرات آنان ذکر شده است.

معنای لغوی و اصطلاحی زکات

زکات از ریشه «ز، ک، و» است که در لغت به معنای «صلاح و نمو» می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۳۵۸). برخی نیز اصل زکات را در لغت، طهارت، رشد و برکت ذکر کرده‌اند (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۷).

در «معجم مقاییس اللغة» آمده: «الزء و الکاف و الواو اصل یدل علی نماء و زیادة» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۷).

در تاج العروس پس از بیان معنای نمو و رشد (زیبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۴۹۴) برای زکات می‌گوید: از همین باب است حدیث حضرت علی علیه السلام که فرمود: المال تنقصه النفقة و العلم یزکو علی الانفاق (سید رضی، بی‌تا، حکمت ۱۴۷)؛ مال با خرج کردن کم می‌شود اما علم با تعلیم، نمو و رشد می‌یابد.

محقق حلی درباره تعریف اصطلاحی زکات می‌نویسد: «و فی الشرع اسم لحق یجب فی المال یتعتبر فی وجوبه النصاب و سمیت بذلک لان بها یزداد الثواب و یتطهر المال من حق المساکین و مؤدبها من الإثم» (حلی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۴۸۵)؛ زکات در شرع نامی برای حقی است که در مال واجب می‌شود که در وجوب آن نصاب معتبر است و از این جهت به این نام خوانده شده که به واسطه آن، ثواب زیاد می‌گردد و مال از حق فقیران، و پرداخت کننده از گناه پاک می‌شود

زکات در قرآن

کلمه زکات ۳۲ مرتبه در قرآن کریم ذکر شده که به معنای «عبادت مالی» اصطلاحی به کار رفته و غالباً (۲۴ مورد) در کنار «الصلوة» قرار گرفته است. در مواردی نیز، از این ریشه در آیات قرآن به معنای لغوی آن، که عبارت از «طهارت و رشد» است، به کار رفته است. مانند عبارت «فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَاماً» (الکهف، ۱۹).

در قرآن کریم گاهی برای «زکات» از کلمه «صدقه» و «صدقات» استفاده شده است. راغب اصفهانی می‌نویسد: صدقه چیزی است که انسان به قصد قربت از مالش خارج می‌کند؛ مثل زکات ولی «صَدَقَةٌ» در اصل در امر مستحب، و زکات برای امر واجب گفته می‌شود و گاهی که صدقه دهنده قصدش صدق در کردارش باشد، زکات و امر واجب هم «صدقه» نامیده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ریشه «ص، د، ق»).

مهمترین آیه‌ای که درباره زکات واجب در قرآن ذکر شده، آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» است (التوبة، ۱۰۳). در این آیه «صدقه» به معنای زکات واجب است. زیرا صیغه امر «خُذْ»،



ظهور در وجوب دارد و به صراحت، نبی مکرم اسلام ﷺ به دریافت بخشی از اموال مردم جهت تطهیر و تزکیه مردم مأمور شده‌اند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده هنگامی که آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» در ماه رمضان نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله جارچی خود را فرا خواند و فرمود تا در مجامع مردم فریاد زند: «ای مردم، خداوند - عزّ و جلّ - زکات را مانند نماز، واجب کرد». خداوند مقرر کرد که از طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند و گندم و جو و خرما و کشمش، زکات بپردازند. رسول خدا فرائض نه‌گانه زکات را در ماه مبارک رمضان اعلام کرد و سایر خواسته‌ها را از پرداخت زکات واجب معاف دانست. رسول خدا در آن سال، متعرض اموال مردم نشد و چون یک سال گذشت و سال بعد را روزه گرفتند و افطار کردند، رسول خدا جارچی خود را فرا خواند تا در میان مردم جار بزند: «ای مسلمانان، اموال خود را با پرداخت زکات فریضه پیراسته سازید تا نماز شما مورد پذیرش قرار بگیرد». در این موقع رسول خدا مأمورین زکات را به مراتع و آبادی‌ها گسیل فرمود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۴۹۷).

مطابق این آیه - صرف نظر از روایات - آنچه متعلق زکات است، «اموال» مردم است. در آیه دیگری نیز موارد مصرف زکات مشخص شده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهِ وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (التوبة، ۶۰).

در قرآن کریم بجز دو آیه فوق، تنها به اصل «پرداخت زکات» اشاره شده و سایر احکام فقهی آن، همچون موارد متعلق زکات، حدّ نصاب و زمان پرداخت آن در روایات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است.

برخی از مفسران عبارت «وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» در آیه «وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْثُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَانَ مَتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مَتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

المُسْرِفِينَ» (الانعام، ۱۴۱) را نیز اشاره به زکات واجب می‌دانند (برای نمونه رک: صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۲۸۰)؛ درحالی که امر در اینجا امر وجوبی نیست، بلکه تنها اباحه را می‌رساند، زیرا از اینکه قبلاً مسأله خلقت «جنات معروفات و نخل و زرع و زیتون و انار» را ذکر کرده، به دست می‌آید که امر به خوردن از میوه‌های آن‌ها امر در مورد توهم منع است و معلوم است که در چنین موردی، صیغه امر، تنها اباحه را می‌رساند نه وجوب را. بنابراین این آیه به طور اجمال از میوه‌ها و حبوبات حقی برای فقرا قائل شده، و فرموده که در روز درو کردن غلات و چیدن میوه‌ها، حق فقرا باید داده شود. و این اشاره به حکم عقل است، و در حقیقت حکمی را که عقل در این باره دارد امضاء کرده، نه اینکه بخواهد مسأله زکات را متذکر شود، چون این آیه شریفه در مگه نازل شده و تشریح زکات و وجوب آن در مدینه اتفاق افتاده است. علاوه بر این، اگر آیه شریفه راجع به زکات واجب می‌بود، باید زکات در همه انواع نامبرده در آیه، واجب بوده باشد، درحالی که در میان آن‌ها چیزهایی هست که زکات ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۶۳).

هدف از تشریح زکات

در آیه زکات در سوره توبه، نتیجه زکات «تطهیر و تزکیه» مردم بیان شده است؛ چرا که جمله «تَطَهَّرْهُمْ وَ تَزَكِّهِمْ بِهَا» در این آیه شریفه، صفت برای «صدقه» یا زکات است. بنابراین صدقه یا زکات هم نشان از صداقت مردم در عمل به این فریضه دارد و هم با اخراج قسمتی از مال خود را از نظر روحی تزکیه و مال خود را طاهر و پاک می‌گرداند.

درباره هدف از تشریح زکات، علاوه بر حکمت کلی عبادات که همان «بندگی خداوند» است، می‌توان گفت: به واسطه زکات قرار است فقرا تأمین شوند. چنانکه در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره علت حد نصاب زکات سؤال می‌شود: «لِأَيِّ شَيْءٍ جَعَلَ اللَّهُ الزَّكَاةَ خَمْسَةً وَعِشْرِينَ فِي كُلِّ أَلْفٍ وَلَمْ يُجْعَلْهَا ثَلَاثِينَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا خَمْسَةً وَعِشْرِينَ أَخْرَجَ مِنَ الْأَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ بِقَدْرِ مَا يَكْفِيهِ بِالْفُقَرَاءِ وَلَوْ أَخْرَجَ النَّاسُ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا احتِجَّ أَحَدٌ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۰۷)؛ چرا خداوند در هر هزار (درهم)، بیست و پنج



(درهم) قرار داد و آن را سی (درهم) مقرر نفرمود؟ حضرت فرمود: خداوند متعال زکات را بیست و پنج (درهم در هزار) از اموال ثروتمندان قرار داد به اندازه‌ای که نیازمندان تأمین شوند و اگر مردم زکات اموال خود را خارج نمایند، هیچ فرد نیازمندی وجود نخواهد داشت. در این روایت، علاوه بر آنکه حدّ نصاب اموال به طور کلی بیان شده، به خوبی هدف از تشریح زکات ترسیم شده است.

نکته مهمی که در این روایت جلب توجه می‌کند، آن است که امام صادق علیه السلام مطابق آیه قرآن به تعلق زکات به «اموال» تأکید می‌نمایند. باید توجه کرد که مال در اصل لغت، عبارت است از «چیزی که از طلا و نقره به دست می‌آید. سپس بر هر چیزی که از اعیان و اجناس به دست می‌آید اطلاق شده است و بیشترین چیزی که عرب مال را به آن اطلاق می‌کند، ابل (= شتر) است؛ چرا که بیشترین اموال اعراب بود (ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۳۷۳).

در روایت دیگری از آن حضرت بیان شده: «إِنَّمَا وَضِعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِيَارًا لِلأَغْنِيَاءِ وَ مَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا وَ لَا سْتَعْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ إِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَ لَا احْتَايُوا وَ لَا جَاعُوا وَ لَا عَرُوا إِلَّا بِذُنُوبِ الأَغْنِيَاءِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۷)؛ زکات تنها برای آزمودن ثروتمندان و کمک رساندن به زندگی فقیران مقرر شده است. اگر مردم زکات اموال خود را بدهند، هیچ مسلمانی فقیر نخواهد ماند، و با مقداری که خدا برای او واجب کرده است، بی‌نیاز خواهد شد. همانا مردمان، فقط از گناه توانگران (و غضب حقوق محرومان بوسیله آنان) است که فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه می‌مانند.

طبق این روایات، مشخص است که زکات برای تأمین رفاه فقرا در جامعه کفایت می‌کند. بدین معنا که در صورت اجرای کامل این فریضه، فقر به طور کامل از جامعه زدوده خواهد شد. با اندک تأملی در زندگی‌های امروزی و درآمد افراد ثروتمند درمی‌یابیم که اگر قرار باشد زکات تنها به موارد نه‌گانه تعلق بگیرد، نه تنها فقرا و مساکین تأمین نخواهند شد، که بقیه مصارف زکات مثل «تألیف قلوب»، «ورشکستگان» و افراد «ابن السبیل» نیز تأمین

نخواهد شد. آیا منطقی است کشاورز و دامداری که با رنج و زحمت محصولی تولید می‌کنند، زکات مال خود را پرداخت نمایند اما کارخانه‌های بزرگ تولیدی، یا شرکت‌های بزرگ واردات و صادرات به دلیل آنکه سر و کاری با موارد نُه‌گانه ندارند، از پرداخت زکات معاف باشند؟!

دسته‌بندی روایات باب زکات (موارد متعلق زکات)

روایات فراوانی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام درباره موارد متعلق زکات وارد شده است. با نگاهی به این روایات، از هر دسته، متن کامل روایات (بدون سند کامل) بیان شده و سپس در مورد آن‌ها بحث خواهد شد. (البته از تکرار روایات مشابه خودداری شده است):

الف) روایاتی که زکات را مربوط به تمام اموال می‌داند

۱- عَنْ الْمُفْضَلِ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام فَسَأَلَهُ رَجُلٌ فِي كَمْ تَجِبُ الزَّكَاةُ مِنَ الْمَالِ فَقَالَ لَهُ الزَّكَاةُ الظَّاهِرَةُ أَمْ الْبَاطِنَةُ تُرِيدُ فَقَالَ أُرِيدُهُمَا جَمِيعًا فَقَالَ أَمَّا الظَّاهِرَةُ فَفِي كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَلَا تَسْتَأْثِرُ عَلَى أَخِيكَ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْكَ (كلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۰۰).

۲- زَيْدُ الصَّانِعِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام إِنِّي كُنْتُ فِي قَرْيَةٍ مِنْ قُرَى خُرَّاسَانَ يُقَالُ لَهَا بُخَارَى فَرَأَيْتُ فِيهَا دَرَاهِمَ تُعْمَلُ ثَلَاثُ فِضَّةٍ وَ ثَلَاثُ مِسٍّ وَ ثَلَاثُ رِصَاصٍ وَ كَانَتْ تَجُوزُ عِنْدَهُمْ وَ كُنْتُ أَعْمَلُهَا وَ أَنْفَقْتُهَا قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا كَانَتْ تَجُوزُ عِنْدَهُمْ فَقُلْتُ أَرَأَيْتَ إِنْ حَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ وَ هِيَ عِنْدِي وَ فِيهَا مَا يَجِبُ عَلَيَّ فِيهِ الزَّكَاةُ أُرَكِّبُهَا قَالَ نَعَمْ إِنَّمَا هُوَ مَا لَكَ قُلْتَ فَإِنْ أَخْرَجْتَهَا إِلَى بَلَدَةٍ لَا يُنْفَقُ فِيهَا مِثْلَهَا فَبَقِيَتْ عِنْدِي حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ أُرَكِّبُهَا قَالَ إِنْ كُنْتَ تَعْرِفُ أَنَّ فِيهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْخَالِصَةِ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ فِيهَا الزَّكَاةَ فَزَكَّ مَا كَانَ لَكَ فِيهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْخَالِصَةِ وَ دَعَّ مَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الْخَبِيثِ قُلْتُ وَ إِنْ كُنْتُ لَا أَعْلَمُ مَا فِيهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْخَالِصَةِ إِلَّا أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّ فِيهَا مَا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ قَالَ فَاسْبِكْهَا حَتَّى تَخْلُصَ الْفِضَّةُ وَ يَحْتَرِقَ الْخَبِيثُ ثُمَّ يُرَكِّي مَا خَلَصَ مِنَ الْفِضَّةِ لِسَنَةِ وَاحِدَةٍ (همان، ج ۳، ص ۵۱۷).

٣- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام نَزَلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنْ اللَّهُ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ) فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ إِلَى أَنْ قَالَ ثُمَّ لَمْ يَعْرِضْ لِشَيْءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَابِلٍ فَصَامُوا وَ أَفْطَرُوا فَأَمَرَ مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُّوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلْ صَلَوَاتُكُمْ قَالَ ثُمَّ وَجَّهَ عَمَّالَ الصَّدَقَةِ وَ عُمَّالَ الطُّسُوقِ (حَرَّ عَامِلِي، ١٤٠٩، ج ٩، ص ١٠).

٤- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُ [ابا عبدالله] قَالَ كُلُّ مَالٍ عَمِلْتَ بِهِ فَعَلَيْكَ فِيهِ الزَّكَاةُ إِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ (كَلِينِي، ١٣٦٥، ج ٣، ص ٥٢٨). قَالَ يُونُسُ تَفْسِيرُ ذَلِكَ أَنَّهُ كُلُّ مَا عَمِلَ لِلتَّجَارَةِ مِنْ حَيَوَانٍ وَ غَيْرِهِ فَعَلَيْهِ فِيهِ الزَّكَاةُ (هَمَان، ج ٣، ص ٥٢٩).

٥- عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ الْمَتَاعُ لَأَصِيبُ بِهِ رَأْسَ الْمَالِ عَلَيَّ فِيهِ زَكَاةٌ قَالَ لَا قُلْتُ أَمْسِكُهُ سَنَتَيْنِ ثُمَّ أبيعُهُ مَا ذَا عَلَيَّ قَالَ سَنَةً وَاحِدَةً (حَرَّ عَامِلِي، ١٤٠٩، ج ٩، ص ٧٣).

٦- زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ الزَّكَاةُ عَلَى الْمَالِ الصَّامِتِ الَّذِي يَحْوُلُ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ لَمْ يَحْرَكْهُ (هَمَان، ج ٩، ص ٧٥).

٧- عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام الرَّجُلُ يَشْتَرِي الْوَصِيفَةَ يُثْبِتُهَا عِنْدَهُ لِتَزِيدَ وَ هُوَ يُرِيدُ بَيْعَهَا أَعَلَى ثَمَنِهَا زَكَاةٌ قَالَ لَا حَتَّى يَبِيعَهَا قُلْتُ فَإِنْ بَاعَهَا أَيْزَكِّي ثَمَنِهَا قَالَ لَا حَتَّى يَحْوُلَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ هُوَ فِي يَدِهِ (هَمَان).

٨- عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَأَلْتُهُ [ابا عبدالله عليه السلام] عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ مَعَهُ الْمَالُ مُضَارَبَةً هَلْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْمَالِ زَكَاةٌ إِذَا كَانَ يَتَّجِرُ بِهِ فَقَالَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَقُولَ لِأَصْحَابِ الْمَالِ زَكُّوهُ فَإِنْ قَالُوا إِنَّا نَزَكِّيهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ غَيْرُ ذَلِكَ وَ إِنْ هُمْ أَمَرُوهُ بِأَنْ يُزَكِّيَهُ فَلْيَفْعَلْ قُلْتُ أَرَأَيْتَ لَوْ قَالُوا إِنَّا نَزَكِّيهِ وَ الرَّجُلُ يَعْلَمُ أَنَّهُمْ لَا يُزَكُّونَهُ فَقَالَ إِذَا هُمْ أَقْرَأُوا بِأَنَّهُمْ يُزَكُّونَهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ غَيْرُ ذَلِكَ وَ إِنْ هُمْ قَالُوا إِنَّا لَا نَزَكِّيهِ فَلَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَقْبَلَ ذَلِكَ الْمَالَ وَ لَا يَعْمَلَ بِهِ حَتَّى يُزَكِّيَهُ (كَلِينِي، ١٣٦٥، ج ٣، ص ٥٢٨).

نکات این دسته از روایات

۱- در روایت نخست به صراحت بیان شده که زکات مال در هر ۱۰۰۰ (درهم)، ۲۵ (درهم) است.

۲- از روایت دوم برداشت می‌شود هر نوع پولی که بین مردم رواج داشته باشد و با آن معامله شود اگر سال بر آن بگذرد زکات به آن تعلق می‌گیرد. طبق نقل این روایت، حضرت تصریح به مال بودن درهم‌های مخصوص سرزمین بخارا دارند.

۳- در روایت سوم که به نوعی شأن نزول آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» است، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جهت واجب شدن زکات، تصریح بر گذشت یک سال بر اموال دارند.

۴- در روایت چهارم محمد بن مسلم از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند که حضرت فرمود: هر مالی که با آن معامله شود (و سرمایه باشد) اگر یک سال از آن بگذرد، زکات به آن تعلق خواهد گرفت. یونس (بن عبدالرحمن)^۱ که از فقها، شاگردان و از وکلای امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام است می‌گوید: تفسیر سخن امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آن است که هر چیزی که با آن تجارت کنند، مثل حیوان و غیره مشمول زکات خواهد بود.

۵- در روایت پنجم راوی به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌گوید: کالایی دارم اما نه به‌عنوان سرمایه؛ آیا به آن زکات تعلق می‌گیرد؟ حضرت می‌فرمایند: نه. سپس می‌گوید: آن را دو سال نگه می‌دارم سپس می‌فروشم. چه چیزی بر من واجب است؟ حضرت در پاسخ می‌فرمایند: به اندازه یک سال بر تو زکات واجب است. لذا از این روایت نیز مشخص است که تمام اموال غیر از مایحتاج زندگی اگر یک سال از آن بگذرد، مشمول زکات خواهد شد.

۶- در روایت ششم به صراحت اموال را کدی که یک سال بر آنها بگذرد، مشمول زکات دانسته شده است.

۱) در روایتی، راوی به امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام عرض می‌کند: من همیشه نمی‌توانم خدمت شما برسم؛ مسائل دینی خود را از چه کسی ببرم؟ حضرت می‌فرمایند: از یونس بن عبدالرحمن (کشی، ۱۳۴۸، ص ۴۸۴).

۷- در روایت هفتم راوی از امام کاظم علیه السلام سؤال می‌کند: اگر انسان خادمه‌ای بخرد تا قیمت آن اضافه شود، آیا زکات دارد؟ حضرت می‌فرماید به دو شرط زکات تعلق خواهد گرفت: اول اینکه آن را بفروشد. دوم آنکه یک سال از بهای آن بگذرد و مبلغ در دستش باشد (راکد باشد).

۸- در روایت هشتم که بحث بر سر مال مضاربه‌ای است، از بحث ما خارج است اما همین که حضرت مال مضاربه‌ای را هم مشمول زکات می‌دانند شاهدهی است بر اینکه تمام اموال مشمول زکات خواهند شد.

۹- در بین این دسته از روایات، روایت اول، دوم و چهارم ضعیف است، روایت سوم، ششم و هفتم صحیح و روایت پنجم و هشتم موثق است. از این رو، شاید یکی از دلایلی که غالب فقهای امامیه را از فتوا دادن به وجوب زکات در تمام اموال باز داشته، همین ضعف سند به ویژه در روایت‌های اول و چهارم باشد اما چنانکه خواهد آمد، در دسته دوم از روایات نیز که زکات را منحصر در موارد نه‌گانه می‌داند، ضعف سند وجود دارد.

جمع بندی این دسته از روایات

طبق این روایات، اموالی مشمول زکات هستند که یک سال از آنها بگذرد و راکد باقی بمانند و بصورت کالا و مایحتاج زندگی نباشند.

(ب) روایاتی که زکات را منحصر در موارد نه‌گانه می‌داند

۹- عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَ عَقَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ عَلَى الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۰۹).

۱۰- عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ صَدَقَاتِ الْأَمْوَالِ قَالَ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ لَيْسَ فِي غَيْرِهَا شَيْءٌ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ السَّائِمَةِ وَ هِيَ الرَّاعِيَّةُ وَ لَيْسَ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَيَّوَانِ غَيْرِ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْأَصْنَافِ شَيْءٌ وَ كُلُّ شَيْءٍ كَانَ مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْأَصْنَافِ فَلَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ مِنْذُ يَوْمٍ يُنْتَجِجُ (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲).

١١- عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجَلِيِّ وَ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَّارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَا فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ فِي الْأَمْوَالِ وَ سَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَ عَفَا عَمَّا سِوَاهُنَّ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ عَفَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَمَّا سِوَى ذَلِكَ (همان، ج ٢، ص ٣).

١٢- عَنْ مُحَمَّدِ الطَّيَّارِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَمَّا تَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ فَقَالَ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ عَفَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَمَّا سِوَى ذَلِكَ فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ فَإِنَّ عِنْدَنَا حَبًّا كَثِيرًا قَالَ فَقَالَ وَ مَا هُوَ قُلْتُ الْأُرْزُقُ قَالَ نَعَمْ مَا أَكْثَرَهُ فَقُلْتُ أ فِيهِ زَكَاةٌ قَالَ فَزَبْرَنِي ثُمَّ قَالَ أَقُولُ لَكَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ وَ تَقُولُ لِي إِنَّ عِنْدَنَا حَبًّا كَثِيرًا أ فِيهِ الزَّكَاةُ (همان، ج ٢، ص ٥).

١٣- عَنْ زُرَّارَةَ وَ بُكَيْرِ ابْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ لَيْسَ فِي شَيْءٍ أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ مِنْ الذَّرَّةِ وَ الْأُرْزُقِ وَ الدُّخْنِ وَ الْحِمِّصِ وَ الْعَدَسِ وَ سَائِرِ الْحُبُوبِ وَ الْفَوَاكِهِ غَيْرِ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَصْنَافِ وَ إِنْ كَثُرَ تَمَنُّهُ زَكَاةٌ إِلَّا أَنْ يَصِيرَ مَالًا يُبَاعُ بِذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ يَكْنِزُهُ ثُمَّ يَحُولُ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ قَدْ صَارَ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً فَيُودَى عَنْهُ مِنْ كُلِّ مِائَتِي دِرْهَمٍ خَمْسَةَ دَرَاهِمٍ وَ مِنْ كُلِّ عَشْرِينَ دِينَارًا نِصْفَ دِينَارٍ (همان، ج ٢، ص ٦).

١٤- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنْزَلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ نَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ عَفَا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ الْحَدِيثِ (حر عاملی، ١٤٠٩، ج ٩، ص ٥٣).

١٥- عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْقَمَّاطِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الزَّكَاةِ فَقَالَ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ



الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ الْإِبِلِ فَقَالَ السَّائِلُ فَالذَّرَّةُ فَغَضِبَ ﷺ ثُمَّ قَالَ كَانَ وَ اللَّهُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ السَّمَّاسِيمُ وَ الذَّرَّةُ وَ الدُّخْنُ وَ جَمِيعُ ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ إِنَّمَا وَضَعَ عَلَى تِسْعَةِ لِمَا لَمْ يَكُنْ بِحَضْرَتِهِ غَيْرُ ذَلِكَ فَغَضِبَ ثُمَّ قَالَ كَذَبُوا فَهَلْ يَكُونُ الْعَفْوُ إِلَّا عَنْ شَيْءٍ قَدْ كَانَ وَ لَا وَ اللَّهُ مَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَلَيْهِ الزَّكَاةَ غَيْرَ هَذَا فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ (همان، ج ۹، ص ۵۴).

نکات این دسته از روایات

۱- در دسته زیادی از روایات مثل روایت نهم، تنها موارد نه‌گانه مشمول زکات دانسته شده‌اند و پیامبر خدا ﷺ زکات بقیه اموال را بخشیده‌اند. این بخشش پیامبر در روایات متعدّد دیگری مورد تأکید قرار گرفته است. گاه صراحتاً امام باقر ﷺ می‌فرمایند در هیچ چیز دیگری زکات وجود ندارد (روایت دهم). گاه به واسطه پرسش راوی از مواردی غیر از موارد نه‌گانه، امام باقر ﷺ ناراحت می‌شوند و تأکید می‌کنند پیامبر خدا ﷺ سایر موارد زکات را بخشیده‌اند (روایت دوازدهم) و گاه علاوه با ناراحتی، امام تأکید می‌کنند من غیر از این نه چیز، چیزی که شامل حکم زکات بشود نمی‌شناسم پس هرکس می‌خواهد ایمان آورد و هرکس می‌خواهد کافر شود (روایت پانزدهم).

۲- در روایت سیزدهم امام باقر ﷺ ضمن اینکه مواردی از حیوانات مثل ذرت، برنج، ارزن، نخود و عدس و میوه‌ها را - هر چه هم زیاد باشد - از موارد مشمول زکات خارج می‌دانند اما در ادامه تأکید می‌کنند جز اینکه فروخته شوند و تبدیل به طلا و نقره شوند که بشود آن را ذخیره کرد که در این صورت اگر سال از آن بگذرد، باید از هر ۲۰۰ درهم، ۵ درهم زکات آن را بدهد و از هر ۲۰ دینار، نصف دینار زکات آن را بدهد.

۳- روایت چهاردهم بسیار شبیه روایت سوم است با این تفاوت که پیامبر اکرم ﷺ در این روایت بجای اموال، از موارد نه‌گانه نام می‌برند و تنها همان نه چیز را مشمول زکات می‌دانند.

۴- در این دسته از روایات، روایت نهم، یازدهم و چهاردهم صحیح، روایت دهم و

سیزدهم موثق و روایت دوازدهم و پانزدهم ضعیف هستند. یک نکته قابل توجه در این روایات، آن است که روایت دوازدهم و پانزدهم که لحن روایت با تأکید زیادی همراه است، دارای ضعف سند است.

جمع‌بندی این دسته از روایات

روایاتی که تأکید می‌کنند به چیز دیگری غیر از موارد نه گانه زکات تعلق نمی‌گیرد، به شکل اصلی آن نظر دارند لیکن اگر آنگونه که در روایت سیزدهم بیان شده، تبدیل به نقدین شوند و قابلیت ذخیره‌سازی داشته باشند و به مدت یک سال راکد بمانند، می‌توانند مشمول زکات باشند. حتی اگر حصر را برای این روایات بپذیریم، می‌توان ادعا نمود که این روایات ناظر به زمان صدور روایت بوده و دلیلی بر قابلیت اجرای همه این روایات در تمام زمان‌ها وجود ندارد.

ج) روایاتی که علاوه بر موارد نه‌گانه، موارد دیگری را نیز مشمول زکات می‌داند

۱۶- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحُبُوبِ مَا يُزَكَّى مِنْهَا قَالَ الْبُرُّ وَالشَّعِيرُ وَالدُّرَّةُ وَالذُّخْنُ وَالْأُرْزُ وَالسُّلْتُ وَالْعَدَسُ وَالسَّمْسِمُ كُلُّ هَذَا يُزَكَّى وَأَشْبَاهُهُ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۱۰).

۱۷- عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِثْلَهُ وَ قَالَ كُلُّ مَا كَيْلَ بِالصَّاعِ قَبْلَ الْاَوْسَاقِ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ قَالَ جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّدَقَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا كَانَ فِي الْخَضِرِ وَ الْبُقُولِ وَ كُلِّ شَيْءٍ يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ (همان).

۱۸- عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَانَ قَالَ قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَعَلْتُ فِدَاكَ رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْغَنَمِ وَ الْبَقَرِ وَ الْإِبِلِ وَ عَفَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ الْقَائِلُ عِنْدَنَا شَيْءٌ كَثِيرٌ يَكُونُ أَعْوَافَ ذَلِكَ فَقَالَ وَ مَا هُوَ فَقَالَ لَهُ الْأُرْزُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقُولُ لَكَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَضَعَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ وَ تَقُولُ عِنْدَنَا أُرْزُ وَ عِنْدَنَا ذُرَّةٌ وَ قَدْ كَانَتِ الدُّرَّةُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ



اللَّهُ ﷺ فَوْقَ اللَّهِ ﷺ كَذَلِكَ هُوَ وَ الزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كَيْلَ بِالصَّاعِ وَ كَتَبَ عَبْدُ اللَّهِ وَ رَوَى غَيْرُ
هَذَا الرَّجُلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْحُبُوبِ فَقَالَ وَ مَا هِيَ فَقَالَ السَّمْسِيمُ وَ الْأَرزُّ وَ
الدُّخْنُ وَ كُلُّ هَذَا غَلَّةٌ كَالْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فِي الْحُبُوبِ كُلُّهَا زَكَاةٌ (همان).
١٩- رَوَى أَيْضاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ كُلُّ مَا دَخَلَ التَّقْفِيزَ فَهُوَ يَجْرِي مَجْرَى
الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ قَالَ فَأَخْبَرَنِي جُعِلَتْ فِدَاكَ هَلْ عَلَى هَذَا الْأَرزُّ وَ مَا أَشْبَهُهُ
مِنَ الْحُبُوبِ الْحَمِصِّ وَ الْعَدَسِ زَكَاةٌ فَوْقَ اللَّهِ ﷺ صَدَقُوا الزَّكَاةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ كَيْلَ (همان، ج ٣،
ص ٥١١).

٢٠- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ﷺ إِنْ لَنَا رَطْبَةٌ وَ أَرزُّ فَمَا الَّذِي
عَلَيْنَا فِيهَا فَقَالَ ﷺ أَمَّا الرُّطْبَةُ فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ وَ أَمَّا الْأَرزُّ فَمَا سَقَتِ السَّمَاءُ بِالْعُشْرِ وَ
مَا سَقَى بِالذَّلْوِ فَصِنْفُ الْعُشْرِ مِنْ كُلِّ مَا كَيْلَتْ بِالصَّاعِ أَوْ قَالَ وَ كَيْلَ بِالْمِكْيَالِ (همان، ج ٣،
ص ٥١٣).

٢١- عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فِي الذَّرَّةِ شَيْءٌ فَقَالَ لِي الذَّرَّةُ وَ الْعَدَسُ وَ
السُّلْتُ وَ الْحُبُوبُ فِيهَا مِثْلُ مَا فِي الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ كُلُّ مَا كَيْلَ بِالصَّاعِ فَبَلَغَ الْأَوْسَاقَ الَّتِي
تَجِبُ فِيهَا الزَّكَاةُ فَعَلَيْهِ فِيهَا الزَّكَاةُ (حر عاملی، ١٤٠٩، ج ٩، ص ٦٤).

٢٢- عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ هَلْ فِي الْأَرزِّ شَيْءٌ فَقَالَ نَعَمْ نَمَّ قَالَ إِنْ
الْمَدِينَةَ لَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ أَرزُّ فَيُقَالُ فِيهِ وَ لَكِنَّهُ قَدْ جُعِلَ فِيهِ وَ كَيْفَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَ عَامَّةُ
خَرَاجِ الْعِرَاقِ مِنْهُ (همان).

٢٣- عَنْ الْحَلْبِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مَا فِي الْخَضْرِ قَالَ وَ مَا هِيَ قُلْتُ الْقَضْبُ وَ
الْبِطِيطُخُ وَ مِثْلُهُ مِنَ الْخَضْرِ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يُبَاعَ مِثْلُهُ بِمَالٍ فَيَحُولُ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَيَفِيهِ
الصَّدَقَةُ وَ عَنِ الْغُضَاةِ مِنَ الْفَرَسِكِ وَ أَشْبَاهِهِ فِيهِ زَكَاةٌ قَالَ لَا قُلْتُ فَنَمُّهُ قَالَ مَا حَالَ عَلَيْهِ
الْحَوْلُ مِنْ ثَمَرِهِ فَزَكَّهِ (همان، ج ٩، ص ٦٧).

٢٤- عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ سَأَلَهُ [ابا عبد الله] سَعِيدُ الْأَعْرَجِ وَ أَنَا أَسْمَعُ فَقَالَ
إِنَّا نَكْبِسُ الزَّيْبَ وَ السَّمْنَ نَطْلُبُ بِهِ التَّجَارَةَ فَرُبَّمَا مَكَثَ عِنْدَنَا السَّنَةَ وَ السَّنَتَيْنِ هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ

قَالَ إِنْ كُنْتَ تَرَبِّحُ فِيهِ شَيْئاً أَوْ تَجِدُ رَأْسَ مَالِكَ فَعَلَيْكَ زَكَاتُهُ وَإِنْ كُنْتَ إِنَّمَا تَرَبِّصُ بِهِ لِأَنَّكَ لَا تَجِدُ إِلَّا وَضِيعَةً فَلَيْسَ عَلَيْكَ زَكَاتُهُ حَتَّى يَصِيرَ ذَهَباً أَوْ فِضَّةً فَإِذَا صَارَ ذَهَباً أَوْ فِضَّةً فَزَكَّهُ لِسَنَةِ الَّتِي اتَّجَرْتَ فِيهَا (همان، ج ۹، ص ۷۰).

۲۵- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةَ عَنْهُمَا جَمِيعاً عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ وَضَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْخَيْلِ الْعِتَاقِ الرَّاعِيَةَ فِي كُلِّ فَرَسٍ فِي كُلِّ عَامٍ دِينَارَيْنِ وَ جَعَلَ عَلَى الْبَرَادِينِ دِينَاراً (كلينی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۳۰).

۲۶- عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الصَّدَقَةِ فِيمَا سَقَّتِ السَّمَاءُ وَ الْأَنْهَارُ إِذَا كَانَ سَيْحاً أَوْ كَانَ بَعْلًا الْعُشْرُ وَ مَا سَقَّتِ السَّوَابِي وَ الدَّوَالِي أَوْ سَقَّتِ بِالْغَرْبِ فَنِصْفُ الْعُشْرِ (همان، ج ۳، ص ۵۱۳).

۲۷- رَوَى غَيْرُ هَذَا الرَّجُلِ [عبدالله بن محمد] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْحُبُوبِ فَقَالَ وَ مَا هِيَ فَقَالَ السَّمْسِيمُ وَ الْأُرْزُ وَ الدُّخْنُ وَ كُلُّ هَذَا غَلَّةٌ كَالْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْحُبُوبِ كُلِّهَا زَكَاتُ (همان، ج ۳، صص ۵۱۰ و ۵۱۱).

۲۸- عَنْ قَاسِمِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْعُلَوِيِّ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي زَكَاتِ الْأُرْزِ وَ الْعَدَسِ وَ الْحَمَّصِ وَ الْبَقَالِئِ وَ أَشْبَاهِهَا وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ وَ الْفَاكِهَةِ هَلْ فِيهَا زَكَاتٌ فَقَالَ كُلُّ مَا خَرَجَ مِنَ الْأَرْضِ مِنْ نَابِتَةٍ فَبِهِ الزَّكَاتُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۶۵).

۲۹- عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَى وَسَلَّمَ أَنَّهُ أُوجِبَ فِي الْعَسَلِ الْعُشْرُ (همان).

نکات این دسته از روایات

۱- در این دسته از روایات، گاهی مواردی از حیوانات غیر از موارد چهارگانه مشمول حکم زکات ذکر می شوند مثل ذرت، ارزن، برنج، جو پوست کنده، عدس، کنجد (روایت شانزدهم) و گاهی موارد دیگری نیز که از این سنخ باشند مشمول زکات دانسته شده اند (روایت شانزدهم).

۲- در برخی از روایات قاعده کلی بیان شده و آن اینکه قابل پیمانہ کردن با صاع



(حدود سه کیلوگرم) باشد و به حد نصاب مشمول زکات برسد (روایت هفدهم). همچنین برخی از موارد که قابل ذخیره‌سازی نیستند و زود فاسد می‌شوند مثل سبزیجات و تره از حکم زکات خارج شده‌اند (روایت هفدهم).

۳- در روایت هجدهم امام صادق علیه السلام به عنوان یک قاعده کلی تمام حبوبات را مشمول زکات ذکر می‌کنند منتها صدر و ذیل این روایت باهم ناسازگاری دارد؛ در ابتدای روایت امام علیه السلام تأکید می‌کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها بر نه چیز زکات قرار دادند و زکات بقیه را بخشیدند و در جواب سؤال کننده که می‌گوید ما بار فراوانی از برنج داریم، تأکید می‌کنند که پیامبر بقیه را بخشیدند اما در پایان روایت، با بیان قاعده‌ای کلی می‌فرمایند: هر چه قابل کیل کردن با صاع باشد، زکات دارد. شاید قسمتی از روایت افتاده است و یا راوی سخن امام را درست نفهمیده است.

۴- در روایت بیستم امام علیه السلام در پاسخ راوی که می‌گوید ما رطب و برنج داریم، می‌فرمایند: رطب زکات ندارد اما برنج اگر از آب باران کشت شود، یک دهم و اگر با دلو و چاه کشت شود، یک بیستم مشمول زکات خواهد بود. در این روایت، مناط «قابلیت ذخیره سازی» برای محصولات کشاورزی لحاظ شده است که درباره حبوبات (که خشک هستند و زود فاسد نمی‌شوند مثل تمر (= خرماي خشک)، گندم و جو (در روایت هجدهم) وجود دارد و رطب (= خرماي تازه) که قابل ذخیره‌سازی نیست همچون سبزیجات و میوه‌ها از حکم زکات خارج شده است.

۵- در روایت بیست و دوم، امام علیه السلام تأکید می‌کنند که برنج زکات دارد و در ادامه می‌فرمایند: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه برنج کشت نمی‌شد که بدان زکات تعلق گیرد؛ همچنین حضرت تأکید می‌کنند چگونه به برنج زکات تعلق نگیرد، درحالی که بیشترین خراج و مالیات عراق از برنج است. منتها این روایت این اشکال را دارد که در آن تصریح به زکات نشده، بلکه خراج یا مالیات ذکر شده است.

۶- در روایت بیست و سوم، راوی از امام دربارهٔ زکات سبزیجات مثل هندوانه و

خوراک دام می‌پرسد. حضرت می‌فرمایند: زکات ندارد مگر آنکه تبدیل به مال شود و یک سال از آن بگذرد.

۷- در روایت بیست و چهارم راوی از امام علیه السلام می‌پرسد: شغل ما روغن‌گیری است و از این راه تجارت می‌کنیم. گاهی روغن یک سال یا دو سال نزد ما می‌ماند، آیا زکات دارد؟ امام می‌فرمایند: اگر در آن سود کنی یا سرمایهات را به دست آوری زکات دارد اما اگر منتظر می‌مانی (تا فروش رود) زیرا کالای دیگری نداری، زکات بر تو واجب نیست مگر آنکه تبدیل به طلا و نقره شود پس برای یک سال که در آن تجارت کرده‌ای زکات بپرداز.

۸- در روایت بیست و پنجم صادقین علیهم السلام به صراحت بیان می‌کنند که امیرالمؤمنین علیه السلام برای اسب‌های بیابان‌چر در هر سال دو دینار و برای یابو یک دینار زکات قرار داد. البته در این روایت نیز تصریح به زکات نیست و ممکن است منظور خراج و مالیات باشد. اما با توجه به عباراتی نظیر «فیه شیء» و «وضع علیه فلان» که در لحن بسیاری از روایات باب زکات به چشم می‌خورد، می‌توان متبادر ذهنی از آن را «زکات» دانست.

۹- نکته دیگری که از این روایت به دست می‌آید، آن است که چه بسا بتوان وضع زکات بر اموال را از وظایف حاکم اسلامی و متناسب با شرایط زندگی مردم دانست؛ چنانکه در آینده خواهد آمد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زکات اسب را بخشیدند اما امیرالمؤمنین علیه السلام بر آن زکات قرار دادند. بنابراین با عنایت به برخی از موارد مصرف زکات، مثل «تألیف قلوب» و عنوان عامی همچون «فی سبیل الله» می‌توان نتیجه گرفت که گرفتن زکات یکی از مواردی است که جهت مصالح عمومی جامعه اسلامی در اختیار حاکم و رهبر مسلمانان است که با توجه به سطح رفاه عمومی جامعه علاوه بر موارد نه‌گانه می‌تواند بر مواردی زکات قرار دهد و یا مواردی را ببخشد و از زکات معاف دارد.

۱۰- در روایت بیست و ششم به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله قاعده‌های کلی بیان شده که هرچه به وسیله آب باران و نهرها سیراب شود، یک دهم زکات دارد. نعمان بن محمد تمیمی صاحب دعائم الاسلام که از شیعیان اسماعیلیه است از این روایت استفاده می‌کند که زکات به تمام گیاهان تعلق می‌گیرد؛ زیرا هیچ چیزی را از این قاعده مستثنا نکرده است.



۱۱- در روایت بیست و هفتم درباره زکات کنجد، برنج و سایر حبوبات سؤال می‌شود. حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: بله آن‌ها همانند گندم و خرمای خشک هستند (که چون قابل ذخیره‌سازی هستند، مشمول زکات خواهند شد).

۱۲- در روایت بیست و نهم به نقل از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بیان شده که ایشان برای عسل، یک‌دهم زکات قرار دادند.

۱۳- در این دسته از روایات، روایات شانزدهم تا بیستم و روایات بیست و سوم تا بیست و هفتم صحیح، روایات بیست و یکم و بیست و دوم موثق، و روایت بیست و هشتم که از کتاب دعائم الاسلام نقل شده ضعیف است؛ چرا که به نقل از قاسم بن ابراهیم علوی نقل شده که در کتب رجالی ناشناخته است و روایت بیست و نهم نیز از همین کتاب بدون سند به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نسبت داده شده و روایت مشابه آن در کتب مشهور روایی امامیه به چشم نمی‌خورد و تنها در جوامع اهل سنت مشابه آن یافت می‌شود.

جمع بندی این دسته از روایات

در این روایات گاهی به صراحت موارد دیگری غیر از موارد نه‌گانه مشمول حکم زکات شده‌اند که ممکن است از این روایات، استحباب برداشت شود. اما گاهی قواعد کلی برای تشخیص حکم زکات بیان شده است. مواردی مثل «قابلیت ذخیره‌سازی»، «قابلیت پیمانه کردن» (که این نیز خود نشانگر ذخیره کردن آن است مثل حبوبات) و «تبدیل شدن به مال» به شرط گذشت یک سال، به‌عنوان ملاک‌های تعلق زکات در این باب ذکر شده است که بعید به نظر می‌رسد به استحباب حکم نظر داشته باشند. همچنین اختیار حاکم و رهبر جامعه اسلامی در قرار دادن زکات یا بخشودگی آن بر برخی از موارد، از برخی از این روایات استفاده می‌شود.

د) روایاتی که زکات را از مواردی نفی می‌کند

۳۰- عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِي قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام عَنِ الْقُطْنِ وَالزَّعْفَرَانِ عَلَيْهِمَا زَكَاةٌ قَالَ لَا (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۱۲).

٣١- عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَيْسَ عَلَى الْبُقُولِ وَلَا عَلَى الْبَطِيخِ وَ أَشْبَاهِهِ زَكَاةٌ إِلَّا مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ غَلَّتِهِ فَبَقِيَ عِنْدَكَ سَنَةً (حر عاملی، ١٤٠٩، ج ٩، ص ٤٨).

٣٢- عَنْ يُونُسَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْأَشْنَانِ فِيهِ زَكَاةٌ فَقَالَ لَا (همان).

٣٣- عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُمَا قَالَا عَفَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَنِ الْخَضِرِ قُلْتُ وَ مَا الْخَضِرُ قَالَا كُلُّ شَيْءٍ لَا يَكُونُ لَهُ بَقَاءُ الْبَقْلُ وَ الْبَطِيخُ وَ الْفَوَاكِهُ وَ شَبِهُ ذَلِكَ مِمَّا يَكُونُ سَرِيعَ الْفَسَادِ قَالَ زُرَّارَةُ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَلْ فِي الْقَصَبِ شَيْءٌ قَالَ لَا (همان).

٣٤- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكَيْرٍ وَ عُبَيْدٍ وَ جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا قَالُوا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَيْسَ فِي الْمَالِ الْمُضْطَرَبِ بِهِ زَكَاةٌ فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ إِنَّهُ يَا أَبَةَ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَهْلَكْتَ فَقَرَاءَ أَصْحَابِكَ فَقَالَ أَيُّ بَنِي حَقٍّ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُخْرِجَهُ فَخَرَجَ (همان، ج ٩، ص ٧٥).

٣٥- عَنْ سَمَاعَةَ فِي حَدِيثٍ قَالَ سَأَلْتُهُ [أبا عبد الله] عَنِ الرَّجُلِ يَرِيحُ فِي السَّنَةِ خَمْسِمِائَةً وَ سِتِّمِائَةً وَ سَبْعِمِائَةً هِيَ تَفْقَتْهُ وَ أَصْلُ الْمَالِ مُضَارَبَةٌ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ فِي الرَّبْحِ زَكَاةٌ (همان، ج ٩، ص ٧٦).

٣٦- عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَلْ فِي الْبَعَالِ شَيْءٌ فَقَالَ لَا فَقُلْتُ فَكَيْفَ صَارَ عَلَى الْخَيْلِ وَ لَمْ يَصِرْ عَلَى الْبَعَالِ فَقَالَ لِأَنَّ الْبَعَالَ لَا تَلْفَحُ وَ الْخَيْلُ الْإِنَاثُ يُتَجَنُّ وَ لَيْسَ عَلَى الْخَيْلِ الذُّكُورِ شَيْءٌ قَالَ فَمَا فِي الْحَمِيرِ قَالَ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ قَالَ قُلْتُ هَلْ عَلَى الْفَرَسِ أَوْ الْبَعِيرِ يَكُونُ لِلرَّجُلِ يَرِكُهُمَا شَيْءٌ فَقَالَ لَا لَيْسَ عَلَى مَا يُعْلَفُ شَيْءٌ إِنَّمَا الصَّدَقَةُ عَلَى السَّائِمَةِ الْمُرْسَلَةِ فِي مَرْجِهَا عَامَهَا الَّذِي يَقْتَنِيهَا فِيهِ الرَّجُلُ فَأَمَّا مَا سِوَى ذَلِكَ فَلَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ (كليني، ١٣٦٥، ج ٣، ص ٥٣٠).

٣٧- عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ عَفَوْتُ لَكُمْ عَنْ زَكَاةِ الْخَيْلِ وَ الرَّقِيقِ (حر عاملی، ١٤٠٩، ج ٩، ص ٨٠).



- ۳۸- الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْقُمِّيُّ الْمُعَاوِرُ لِلصَّدُوقِ فِي تَارِيخِ قَمٍّ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لَيْسَ فِي الْجَبْهَةِ وَلَا فِي النُّخَّةِ وَلَا فِي الْكُسْعَةِ صَدَقَةٌ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۴۳).
- ۳۹- وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَفَا عَنِ الدُّورِ وَالْخَدَمِ وَالْكِسْوَةِ وَالْأَثَاثِ مَا لَمْ يُرَدْ بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ التَّجَارَةَ (همان).
- ۴۰- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي الْبُسْتَانِ تَكُونُ فِيهِ مِنَ الثَّمَارِ مَا لَوْ بَاعَ كَانَ مَالًا هَلْ فِيهِ صَدَقَةٌ قَالَ لَا (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۱۲).

نکات این دسته از روایات

- ۱- در روایت سی ام پنبه و زعفران از حکم زکات خارج دانسته شده‌اند. که با توجه به روایات دیگر، این روایت را باید مجمل دانست که با روایات دیگر تبیین می‌شود و تبیین آن همان است که در گذشته روایاتی بیان شد که اگر فروخته شود و ثمن آن یک سال بماند، زکات دارد. شاهد بر این مطلب روایت مشابهی است که در کتاب فقه الرضا علیه السلام نقل شده است: ... وَ لَيْسَ ذَكَرَ فِي سَائِرِ الْأَشْيَاءِ زَكَاةً مِثْلَ الْقُطْنِ وَالزَّعْفَرَانِ وَالْخُضْرِ وَ الثَّمَارِ وَ الْحُبُوبِ سِوَى مَا ذَكَرْتُمْ زَكَاةً إِلَّا أَنْ يُبَاعَ وَ يُحْوَلَ عَلَى تَمَنِّهِ الْحَوْلُ (منسوب به امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶، ص ۱۹۸).
- ۲- در روایت سی و یکم تره‌بار و هندوانه و نظیر آن‌ها از حکم زکات خارج شده‌اند اما همانند گذشته، ملاک «قابلیت ذخیره‌سازی» برای آن‌ها نیز ذکر شده است که حضرت می‌فرماید: اگر عائدات آن یک سال نزد تو باقی بماند زکات دارد.
- ۳- در روایت سی و دوم از امام علیه السلام سؤال شد: آیا اشنان (ماده‌ای برای شستشو) زکات دارد؟ امام فرمودند: نه. این سؤال نشان می‌دهد مردم آن زمان احتمال می‌دادند کوچکترین چیزهایی که جنیه مالی دارند، مشمول زکات باشند. همچنین این روایت بیانگر آن است که مواردی که جنبه مصرفی دارد مشمول زکات نخواهد شد.
- ۴- در روایت سی و سوم به نقل از صادقین علیه السلام بیان شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله زکات سبزیجات را بخشیدند. راوی از ایشان پرسید: سبزیجات چیست؟ در پاسخ فرمودند: هر

چیزی که قابلیت نگهداری نداشته باشد مثل تره، هندوانه و میوه‌ها و مانند آن که زود فاسد می‌شوند. راوی در ادامه پرسید: آیا چیز تازه زکات دارد؟ امام فرمودند: خیر.

۵- در روایت سی و چهارم، امام علیه‌السلام مناظ دیگری از حکم را بیان کرده، می‌فرمایند: مال غیر راکد زکات ندارد. همان‌طور که در گذشته نقل شد که فرمودند اگر مال راکد یک سال بماند، زکات دارد.

۶- در روایت سی و پنجم راوی درباره شخصی سؤال می‌کند که مالی را جهت مضاربه از شخص دیگری دریافت نموده و سپس در سال پانصد، ششصد و یا هفتصد درهم سود کرده که برای خرجی از آن استفاده می‌کند. امام علیه‌السلام فرمودند: سود مضاربه زکات ندارد.

۷- در روایت سی و ششم زراره می‌گوید به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: آیا قاطر زکات دارد؟ امام فرمودند: نه. عرض کردم پس چگونه بر اسبها زکات قرار داده شده، ولی بر قاطر قرارداد شده است؟ امام فرمودند: زیرا قاطرها زاد و ولد نمی‌کنند، ولی اسب‌های ماده می‌زاینند. و بر اسب‌های نر چیزی نیست. عرض کردم: پس در الاغ چیست؟ فرمودند: در آن چیزی نیست. عرض کردم: آیا بر اسب و شتری که برای سواری از آنها استفاده می‌شود زکات است؟ فرمودند: نه، بر حیواناتی که از علف آماده شده تغذیه می‌کنند، چیزی نیست. زکات، تنها بر حیوان بیابان‌چر واجب است؛ همان سالی که مالک برای درآمد، اندوخته است. اما در غیر آن چیزی نیست.

۸- در روایت سی و هفتم پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زکات اسب و بنده را بخشیده‌اند. که این روایت حمل بر موارد مصرفی و جزء هزینه‌های جاری زندگی می‌شود.

۹- در روایت سی و هشتم از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده که فرمودند: اسب، (یا خر و یا گاو کارکن) (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۱) بنده و خر بیابان‌چر زکات ندارد که مشابه روایت قبل است.

۱۰- در روایت سی و نهم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زکات خانه‌ها، خدمتکاران، پوشاک و لوازم منزل را به شرطی که برای تجارت نباشد، بخشیدند. این موارد نیز مشخص است که جزء هزینه‌های جاری زندگی است.



۱۱- در بین این دسته از روایات، روایت‌های سی‌ام، سی و دوم، سی و سوم، سی و ششم و چهلم صحیح، روایت‌های سی و یکم، سی و چهارم و سی و پنجم موثق و روایت سی و هفتم ضعیف است. روایت سی و نهم نیز بدون سند مستقیماً از امام علی علیه السلام نقل شده است.

جمع بندی این دسته روایات

در این روایات که ملاحظه نمودیم مواردی از حکم زکات خارج شده‌اند، غالباً جزء موارد مصرفی زندگی و هزینه‌های جاری هستند که طبیعتاً زکات به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد و موارد دیگری مثل پنبه و زعفران تصریح شده که اگر فروخته شود و ثمن آن یک سال باقی بماند، زکات دارد.

در مورد چهارپایان نیز ملاحظه شد که امام علیه السلام برای تعلق زکات به چهارپایان چند ملاک ذکر می‌کنند: اول آنکه ولود باشند و برای تجارت و ... از آن استفاده شود. دوم آنکه مصرفی نباشد یعنی برای حمل بار و انجام کارهای روزمره از آن استفاده نشود. سوم آنکه بیابان‌چر باشد نه آنکه علف آماده برای آن تهیه شود.

مروری به نظرات برخی از فقهای گذشته

بسیاری از فقها تنها زکات را متعلق به موارد نه‌گانه می‌دانند و تعداد زیادی در این مسأله ادعای اجماع نموده‌اند.^۱ لیکن در این مسأله بین فقهای امامیه اجماع وجود ندارد و تنها «ادعای اجماع» است، به‌ویژه که نظر برخی از فقهای متقدم از اصحاب ائمه علیهم السلام مثل یونس ابن عبدالرحمن مخالف نظر مشهور است.

۱) باید توجه داشت که اجماع کاشف از قول معصوم ارزشمند است و اجماع ذکر شده در اینجا یقینی نیست و حجیت ندارد.

الف) برخی از فقهای قائل به انحصار وجوب زکات در موارد نه‌گانه

۱- شیخ مفید (م ۴۱۳ق)

شیخ مفید زکات را منحصر در موارد نه‌گانه معرفی کرده، در مورد روایات دال بر وجوب زکات در مواردی غیر از موارد نه‌گانه، راه جمع را در پیش می‌گیرد و زکات سایر موارد را بر استحباب مؤکد حمل می‌کند. وی می‌نویسد:

زکات در سایر دانه‌ها واجب نیست، بلکه مستحب مؤکد است زیرا در روایاتی از امامان علیهم‌السلام، وجوب زکات در سایر دانه‌ها هم آمده است؛ با اینکه روایاتی از آنان وجود دارد درباره محدود بودن زکات در موارد نه‌گانه. مشخص است که روایات آنان نمی‌توانند با یکدیگر ناسازگار باشند. پس برای ما، راهی جز جمع بین این روایات وجود ندارد، مگر اینکه وجوب زکات را در موارد اختلافی حمل بر استحباب مؤکد کنیم؛ به‌ویژه آنکه در فرمان آن‌ها به زکات دانه‌ها، همچون موارد نه‌گانه، تأکید نشده است (مفید، ۱۴۱۰، صص ۲۴۴-۲۴۵).

باید توجه داشت که در هیچ یک از روایات، جمله و یا عبارتی که بیانگر استحباب زکات در غیر موارد نه‌گانه باشد، وجود ندارد و روشن است که فتوای به استحباب نیز، چون وجوب، باید مستند به دلیل باشد و صرف جمع عرفی و تبرّعی بین روایات، نمی‌تواند مستند فتوای به استحباب باشد.

آیت الله سیدابوالقاسم خوئی می‌نویسد: «پوشیده نماند که این‌گونه جمع بین روایات، هرچند در باب‌های گوناگون فقه، شایع است، ولی با اینجا سازگاری ندارد. زیرا از نظر عرف، این دو دسته از روایات، با هم ناسازگارند و معنای یکدیگر را نفی می‌کنند. به‌گونه‌ای که در هیچ کدام نشانه‌ای برای دیگری وجود ندارد. ما اگر بخواهیم جمله (در آن زکات است) و (زکات در آن نیست) و یا جمله (زکات آن بخشیده شده) و (در آن زکات است) را در یک جمله جمع کنیم، به طور یقین در نظر عرف، آغاز و پایان آن، با هم ناسازگارند و از این جهت، صاحب حدائق منکر استحباب شده و برای جمع بین روایات،



اصرار بر حمل روایات بر تقیه دارد» (خوئی، المستند فی شرح العروة الوثقی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۴۰).

۲- سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ق)

وی می‌نویسد: «امامیه زکات را منحصر در نه چیز می‌دانند و در غیر آن‌ها زکاتی نیست و بقیه فقها با این قول مخالفت کرده‌اند» (علم الهدی، ۱۴۱۵، ص ۲۰۶) ... و چیزی که بر صحت مذهب ما دلالت دارد، علاوه بر اجماع، اصل «برائت ذمه» است که به ادله شرعی در آنچه واجب است، برمی‌گردد (همان، ص ۲۰۷).

در نقد این نظر می‌توان گفت: برای اجرای «اصالة البرائة»، باید از ظهور روایات دال بر وجوب زکات در غیر از موارد نه‌گانه دست برداشت و یا به‌گونه‌ای آن‌ها را توجیه کرد، همان‌طور که شیخ طوسی، علامه حلّی و بسیاری دیگر، آن‌ها را حمل بر استحباب و برخی نیز حمل بر تقیه کرده‌اند و الا با وجود چنین روایاتی، نوبت به اصل نمی‌رسد.

۳- شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)

شیخ طوسی در تهذیب الاحکام زکات را منحصر در موارد نه‌گانه می‌داند و روایاتی که سایر موارد غیر از موارد نه‌گانه را ذکر می‌کند، حمل بر استحباب می‌کند تا روایات با یکدیگر تناقض نداشته باشند (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۴).

۴- ابن زهره (م ۵۸۵ق)

وی نیز این نظر را دارد و بر آن ادعای اجماع می‌کند. وی می‌نویسد: زکات در نه چیز از مال‌ها واجب است... بدون هیچ اختلافی و در غیر آن‌ها واجب نیست، به دلیل اجماع و به دلیل آنکه اصل، برائت ذمه است و مشغول بودن ذمه دلیل نیاز دارد (حلبی، ۱۴۱۷، ص ۱۱۵).

۵- محقق حلّی (م ۶۷۶ق)

وی از این اجماع چنین گزارش می‌دهد: زکات در غیر این نه مورد واجب نیست و این مذهب علمای ما، جز ابن جنید است (محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۹۳).

۶- علامه حلّی (م ۷۲۶ق)

علامه حلّی در «تذکرة الفقهاء» می‌نویسد: همه مسلمانان، بر وجوب زکات در نه چیز: شتر، گاو، گوسفند، طلا، نقره، گندم، جو، خرما و کشمش، هماهنگی دارند. ولی در غیر این‌ها، بر یک نظر نیستند (حلّی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۵). علامه در استدلال خود، اولاً به اصالة البرائة تمسک کرده، ثانیاً به روایت منقول از پیامبر ﷺ که ایشان زکات را در نه چیز واجب نموده و زکات بقیه چیزها را بخشیدند، تمسک کرده است (حلّی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۹۵).

۷- شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ق)

وی نیز نظرش همانند همین بزرگان است اما در مورد روایات دال بر وجوب زکات در غیر از موارد نه‌گانه می‌نویسد: به نظر من بهتر است این روایات را حمل بر تقیه کنیم که در اختلاف احکام شرعی، اصل هر بلیه‌ای است (بحرانی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۰۸).
اما برخی شواهد در این روایات، حاکی از عدم تقیه‌ای بودن این روایات است. مثل آنکه در بسیاری از این روایات، چنانکه گذشت، امام باقر علیه السلام قاعده‌ای کلی بیان می‌کنند، مثل «کل ما کیل بالصاع» و ... که اگر تقیه‌ای باشد نباید امام چنین استدلال کنند بلکه باید به حداقل جواب بسنده نمایند.

۸- صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ق)

صاحب جواهر می‌نویسد: من بین مسلمانان در این مسأله (وجوب زکات در نه چیز) اختلافی ندیده‌ام، تا چه رسد به مؤمنان. بلکه از ضروریات فقه است اگر نگوییم از ضروریات دین است (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۵، ص ۶۵).
وی روایات در این زمینه، مانند روایت «و لا تجب فیما عدا ذلک»، را متواتر دانسته، وجه جمع بین دو دسته روایت را (روایات دال بر انحصار زکات در نه چیز و روایات دال بر چیزهایی غیر از نه چیز) اراده وجوب در روایات دسته اول و استحباب در روایات دسته دوم ذکر می‌کند. وی سپس می‌گوید: بهتر است روایات دسته دوم را حمل بر تقیه



نماییم (همان، ج ۱۵، ص ۶۸). مشابه همین مطلب در کتاب «مستمسک العروة» نیز بیان شده است (الحکیم الطباطبائی، ۱۴۰۴، ج ۹، صص ۵۵-۵۷).

۹- شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ق)

شیخ انصاری در این زمینه می نویسد: بین اصحاب مشهور است که زکات درغیر از نه چیز واجب نیست. شیخ طوسی در «الخلافا» (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۳) و سید مرتضی در «الناصریات» (علم الهدی، ۱۴۱۷، ص ۲۷۳) بر آن ادعای اجماع کرده‌اند و علامه در «منتهی المطلب» (حلی، ۱۳۳۳، ج ۱، ص ۴۷۳) گفته همه علمای ما برآنند (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۱۲۸).

۱۰- امام خمینی ره (م ۱۴۰۹ق)

حضرت امام ره درباره تعلق زکات، به وجوب زکات در موارد نه گانه و استحباب آن در سایر میوه‌ها و چیزهایی که از زمین رشد می‌کند - غیر از سبزیجات - فتوا می‌دهند (خمینی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۱۵).

۱۱- حسینعلی منتظری (م ۱۴۳۱ق)

هر چند از عبارات ایشان بر می‌آید که زکات را در نه چیز منحصر نمی‌داند، فتوای فقهی ایشان وجوب زکات در نه چیز و احتیاط واجب در جو پوست‌کنده و عدس است (منتظری، ۱۴۱۳، ص ۳۳۰).

ایشان می‌نویسد: زکات، از آن جهت که مالی دینی است و در همه ادیان - و از جمله دین اسلام - تشریح شده است، و برای تأمین شئون اقتصادی و رفع نیازهای حکومت دینی و پیروان آن در همه زمان‌ها و مکان‌هاست، و دین اسلام دینی است فراگیر برای عموم مردم و در همه زمان‌ها تا روز قیامت نیز اموال عمومی و منابع ثروت بر حسب اعصار مختلف تحوّل و تطوّر پیدا می‌کند، ناگزیر لازم بوده است که اصل حکم زکات و تشریح آن در قرآن کریم - که به منزله قانون اساسی اسلام است - بیاید، لیکن چون موارد زکات بر حسب زمان‌ها و مکان‌ها تغییر می‌پذیرد، تعیین آن‌ها محوّل به حکومت اسلامی باشد، تا بر

طبق منابع ثروت مردم و بر حسب احتیاج برای مصارف لازم مقرر دارد. این چیزی است که به ذهن می‌رسد. و شما می‌نگرید که قرآن کریم در بسیاری از آیات از وجوب زکات با تأکید یاد کرده و آن را در ردیف نماز آورده، نیز فرموده است: «أَنْفَقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ» (البقرة، ۲۶۷) و به دقت معین نکرده است که زکات به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد، و آن را پیامبر معین کرده است، یعنی هنگامی که آیه: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً...» نازل شد، رسول خدا ﷺ زکات را بر نه چیز مقرر کرد و دیگر چیزها را از زکات معاف دانست. اکنون شاید از این اخبار دو جهت به ذهن متبادر شود، یعنی رسول خدا ﷺ از آن جهت که فرستاده خداست، حکم خدا را برای مردم بیان کرده است، و از وجوب زکات و لزوم گرفتن آن سخن گفته است، و از آن جهت که فرمانروای مسلمانان و اداره‌کننده امور سیاسی ایشان و رئیس جامعه زمان خود است، زکات را در نه چیز قرار داده است، و دیگر چیزها را معاف کرده است، در صورتی که برای قرار دادن زکات در دیگر چیزها- با وجود شمول قول خداوند: «اموالهم» مقتضی وجود داشت، (لیکن بر چیز دیگری زکات قرار نداد) چون ثروت عمده عرب در حجاز در آن عصر، همان نه چیز بود. بدین‌سان برای حاکم مسلمانان در هر مکان و زمان این حق وجود دارد که با ملاحظه ثروت مردمان و نیازمندی حکومت و کسانی که معاش ایشان باید از طریق حکومت تأمین شود، زکات را چنان معین کند که رفع نیازمندی‌ها با آن صورت پذیرد، و صلاح جامعه اسلامی باشد. و در اخبار فراوان آمده است که خدا برای فقیران و نیازمندان در اموال ثروتمندان حقی قرار داده است که جوابگوی نیازمندی‌های آنان است؛ و اگر می‌دانست که آنچه مقرر داشته است کافی نیست، بر آن می‌افزود (ر.ک: منتظری، ۱۴۰۹، کتاب الزکاة، ج ۱، صص ۱۴۹-۱۵۰ و منتظری، ۱۴۰۹، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، ج ۳، صص ۲۰-۲۵).



ب) فقهای که زکات را منحصر در موارد نه‌گانه نمی‌دانند

۱- یونس بن عبدالرحمان (م ۱۲۵ق)

چنانکه در ذیل روایات بیان کردیم، وی از راویان و فقیهان بزرگ و از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیه‌السلام است و او را فقیه‌ترین فرد از اصحاب اجماع دانسته‌اند (خوئی، ۱۴۱۳، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، ج ۱، ص ۶۱). وی، قائل بوده که انحصار زکات در نه چیز، مربوط به صدر اسلام بوده است و چیزهای دیگری پس از آن، توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیهم‌السلام بدان افزوده شده است. وی، در ذیل روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ابراز می‌دارد:

معنای سخن پیامبر که فرموده «إِنَّ الزَّكَاةَ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۰۹) آن است که واجب بودن زکات در نه چیز در آغاز نبوت بوده است، همان گونه که نماز در آغاز دو رکعت بود و سپس پیامبر بر آن هفت رکعت افزود همچنین زکات را در آغاز، بر نه چیز واجب فرمود، سپس بر همه دانه‌ها قرار داد. از ظاهر عبارت یونس بن عبدالرحمان، برمی‌آید که وی خواسته، بین روایاتی که زکات را فقط در نه چیز واجب می‌دانند و روایاتی که زکات را فراتر از نه چیز واجب می‌دانند، جمع کند، لذا آن را توجیه کرده است.

۲- شیخ صدوق تث (م ۳۸۱ق)

وی در «من لایحضره الفقیه» می‌نویسد: پنبه، زعفران، سبزیجات، میوه‌ها و حبوبات زکات ندارد مگر آنکه فروخته شود و یک سال از ثمن آن بگذرد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۵).

۳- ابن جنید اسکافی (قرن ۴)

در میان علمای شیعه، وی وجوب زکات را تنها در موارد نه‌گانه نمی‌داند و در مانند ذرت، عدس، کنجد، برنج و... واجب می‌داند. علامه حلی در «مختلف الشیعه» می‌نویسد: ابن جنید، زکات زیتون و روغن آن را، اگر از زمین‌های عشریه به دست آمده باشند،

واجب دانسته است، ولی حق، خلاف این است (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۹۷). وی همچنین زکات را در عسلی که از زمین به دست آمده واجب می‌داند (همان).

۴- شهید صدر (۱۴۰۰ق)

شهید صدر می‌فرماید: معمولاً به طور ثابت تعلق زکات در اسلام بر نه قلم از اموال است، ولی از امام علی علیه السلام رسیده است که در دوران خود، بر اموال دیگری نیز زکات وضع کرد، مانند اسب و غیره. این عنصر متحرک، کاشف از آن است که زکات، به عنوان یک دید اسلامی، مخصوص مال معینی نیست و این حق ولی امر است که زکات را طبق ضرورت‌های خاص بر هر کالایی که مصلحت بداند، قرار دهد... این نظر در برخی از روایات نیز مؤیداتی دارد. برای مثال در بخشی از روایتی از امام کاظم علیه السلام نقل شده: «... و إِنْ نَقَصَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ وَّ لَمْ يَكْتَفُوا بِهِ كَانَتْ عَلَى الْوَالِي أَنْ يَمُونَهُمْ مِنْ عِنْدِهِ بِقَدْرِ سَعَتِهِمْ حَتَّى يَسْتَعْنُوا» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۴۱) شهید صدر در توضیح این روایت می‌نویسد:

عبارت «من عنده» دلالت بر این دارد که مسؤولیت در این مجال متوجه ولی امر است که با همه امکانات خود، غیر از اقلام نه‌گانه ویژه زکات، به برآوردن نیاز یاد شده بپردازد. بنابراین در اینجا هدف ثابتی مطرح است و باید ولی امر، آن را با امکاناتی که در اختیار دارد تحقق بخشد و در این راه یعنی تحقق بخشیدن به حداقل ثروت و سطح زندگی متوسط افراد جامعه اسلامی، کوشش به عمل آورد (صدر، ۱۴۱۷، صص ۶۵۹-۶۷۵).

جمع‌بندی نظرات فقها

چنانکه گذشت، در مورد انحصار زکات در موارد نه‌گانه تنها «ادعای اجماع» وجود دارد؛ نه اجماع. بنابراین انحصار زکات در موارد نه‌گانه فقط از شهرت بین فقها برخوردار است و عدّه‌ای نیز با قول مشهور مخالفت کرده‌اند. فقهای قائل به انحصار زکات در موارد نه‌گانه با روایات عدم انحصار زکات در موارد نه‌گانه به چند روش برخورد کرده‌اند؛ عدّه‌ای که غالب فقها هستند، زکات سایر موارد غیر از موارد نه‌گانه را حمل بر استحباب کرده‌اند.

در نقد این نظر بیان شد که همان‌طور که وجوب دلیل می‌خواهد، فتوای به استحباب نیز



نیازمند دلیل است و چنانکه بیان شد در روایات دلیلی که دال بر استحباب زکات در سایر موارد غیر از موارد نه‌گانه باشد، به چشم نمی‌خورد.

برخی دیگر از فقها برای جمع بین دو دسته روایات، ادعا می‌کنند که روایات دال بر وجوب زکات در غیر از موارد نه‌گانه از روی تقیه صادر شده‌اند. اینان در تأیید نظر خویش به موافقت این دسته از روایات با روایات اهل سنت تمسک کرده‌اند اما با نقدی که در مقاله کردیم که امام علیه السلام به ارائه قاعده کلی در مسأله می‌پردازند - مثل «کل ما کیل» و یا «کل ما دخل القفیز» - مشخص شد که این نظر نمی‌تواند صحیح باشد و اگر این روایات از روی تقیه صادر شده بود، امام علیه السلام به حداقل جواب بسنده می‌فرمودند.

همچنین دسته‌ای از فقها به اصل برائت ذمه تمسک جستند و چنانکه بیان شد، در جایی که دو دسته روایت داریم که با یکدیگر تعارض دارند، نوبت به اجرای این اصل نمی‌رسد. هر چند قدر متیقن از این دو دسته روایت، وجوب زکات در موارد نه‌گانه است و بر همین اساس بسیاری از فقهای گذشته، به وجوب زکات در موارد نه‌گانه و استحباب آن در سایر موارد قائل شده‌اند. اما سایر قرائنی که در متن مقاله بیان شد - همچون «حکمت تشریح زکات» و «روایات دال بر افزودن زکات بر مواردی غیر از موارد نه‌گانه توسط حاکم» و «تغییر شرایط زندگی‌های امروزی» این نظر را تقویت می‌کند که زکات منحصر در موارد نه‌گانه نیست و می‌تواند توسط حاکم و رهبر جامعه اسلامی افزایش یابد.

جمع‌بندی و نتایج

در استخراج حکم از روایات باید زمان، شرایط و فضای صدور روایات در نظر گرفته شود. در اینجا نیز لازم است شروط تعلق زکات، تا حدّ ممکن از روایات استخراج و استنباط گردد. با توجّه به آیات و روایات بیان شده، به نظر می‌رسد مصادیق ذکر شده در بعضی موارد که زکات واجب دارند و یا اصلاً زکات به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد، به خودی خود موضوعیت ندارد و در برخورد با اینگونه روایات علاوه بر در نظر گرفتن زمان و شرایط صدور روایت، باید به دلیل وجوب زکات یا عدم تعلق زکات به آن مصداق توجّه نمود و آن را به مصادیق دیگری تعمیم داد. در مجموع آنچه صحیح‌تر به نظر می‌رسد، آن است که تمام اموال مشمول زکات باشند؛ اما شروطی در این مسأله باید لحاظ گردد:

۱- زکات به اموال مصرفی و هزینه‌های زندگی تعلق نمی‌گیرد.

۲- در مورد بقیه گیاهان، میوه‌ها و ... شرط قابلیت «ذخیره‌سازی برای مدت یک سال» لحاظ شده است.

۳- در مورد بقیه اموال غیر مصرفی، در صورتی که فروخته شود و ثمن آن یک سال دست‌نخورده باقی بماند، مشمول زکات خواهد بود.

۴- یکی از شروطی که در تعلق زکات، در روایات تأکید شده، راکد بودن مال است که با در نظر گرفتن سایر شروط، مشمول زکات خواهد شد. اما پول یا مالی که در جریان است و چرخه‌های اقتصادی جامعه را می‌گرداند و بدین واسطه به جامعه و مردم سود می‌رساند (ایجاد اشتغال و ...) به نظر می‌رسد مشمول زکات نباشد.

۵- تقدین به اعتبار اینکه وسیله پرداخت قیمت در معاملات و سکه رایج بودند، در شریعت اسلامی موضوع حکم وجوب زکات قرار گرفتند. لذا به طلا و نقره از آن جهت که طلا و نقره هستند زکات تعلق نمی‌گیرد، زیرا «مسکوک بودن» و «رایج بودن» شرط است. لذا بر اساس متون روایی اگر طلا و نقره به صورت زیورآلات درآیند یا مسکوک باشند ولی از رواج افتاده باشند، زکات ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد طلا و نقره (که خود در



صورت حد نصاب زکات دارند)، موضوعیت نداشته باشند بلکه از باب تنقیح مناط هر پولی که بین مردم رایج باشد، در صورت راكد ماندن و رسیدن به حد نصاب و گذشت یک سال مشمول زکات خواهد بود.

۶- به نظر می‌رسد زکات به عنوان یک فریضه واجب، وسیله متغیّری در دست حاکم و رهبر جامعه اسلامی باشد که متناسب با سطح رفاه و معیشت مردم حق دارد جهت اصلاح امور مسلمانان بر موارد متعلّق زکات بیفزاید و یا از مواردی درگذرد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث و الاثر* (بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا).

- ابن ادريس حلى، محمد بن منصور، *كتاب السرائر*، قم: مؤسسه نشر اسلامى، چاپ دوم ۱۴۱۱ق.

- ابن فارس، احمد، *معجم مقاييس اللغة*، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، ۶ جلد، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

- ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، تهران: نشر ادب حوزه، چاپ اول ۱۴۰۵ق.

- احمد بن فارس، *معجم مقاييس اللغة*، بيروت: دار الفكر، ۱۹۷۹م.

- (منسوب به) امام رضا عليه السلام، *فقه الرضا عليه السلام*، مشهد: كنجره جهانى امام رضا عليه السلام، چاپ اول ۱۴۰۶ق.

- انصارى، مرتضى، *كتاب الزكات*، قم: نشر باقرى، چاپ اول ۱۴۱۵ق.

- ابن حيون تميمى مغربى، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام*، مصر: دارالمعارف، چاپ دوم ۱۳۸۵ق.

- انصارى، مرتضى، *كتاب الزكات*، قم: نشر باقرى، چاپ اول ۱۴۱۵ق.

- بحراني، يوسف، *الحدايق الناضرة*، قم: مؤسسه نشر اسلامى، بى تا.

- تميمى مغربى، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام*، مصر: دارالمعارف، چاپ دوم ۱۳۸۵ق.

- حر عاملى، محمد بن حسن، *تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة*، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول ۱۴۰۹ق.

- الحكيم الطباطبائي، السيد محسن، *مستمك العروة الوثقى*، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ۱۴۰۴ق.

- حلى، حمزة بن على ابن زهرة، *غنية النزوع إلى علمى الاصول و الفروع*، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

- حلى، جعفر بن حسن، *المعتبر فى شرح المختصر*، قم: مؤسسه سيد الشهداء، ۱۳۶۴ش.

- حلى، حسن بن يوسف، *تذكرة الفقهاء*، قم: مكتبة الرضوية لإحياء الآثار الجعفرية، بى تا.

- حلى، حسن بن يوسف، *مختلف الشيعة*، قم: مؤسسه نشر اسلامى، چاپ اول ۱۴۱۳ق.

- حلى، حسن بن يوسف، *منتهى المطلب*، تبريز: نشر حاج احمد، ۱۳۳۳ق.



- خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسیله*، قم: دار العلم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم، *مستند عروة الوثقی*، کتاب الزکاة، الجزء الاول، مقرر: مرتضی بروجردی، قم: چاپخانه علمیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال*، بی جا، بی نا، ۱۴۱۳ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دار العلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- زبیدی، محب الدین، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- سیدرضی، نهج البلاغه، قم: دارالهجرة، بی تا.
- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ش.
- صدر، سید محمدباقر، *اقتصادنا*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۳ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، بی جا: نشر الثقافة الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الخلافة*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *الإستبصار فیما اختلف من الاخبار* (تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق).
- علم الهدی، سید مرتضی، *الانتصار*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- علم الهدی، سید مرتضی، *مسائل الناصریات*، تهران: مؤسسه الهدی، ۱۴۱۷ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تهران: دارالهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- کشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال*، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.

- محقق حلّی، جعفر بن حسن، المعتبر فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سید الشهداء علیّه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.

- منتظری، حسینعلی، الاحکام الشرعیة علی مذهب أهل البيت علیهم السلام، قم: تفکر، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

- منتظری، حسینعلی، کتاب الزکاة، قم: مرکز جهانی مطالعات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

- منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، قم: نشر تفکر، چاپ دوم،

۱۴۰۹ق.

- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۶۵ش.

- نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ

اول، ۱۴۰۸ق.